

تفسیر سوره حمد:

در معنای ربّ العالمین:

در سوره بنی اسرائیل می فرماید:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلِيهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا.

وَمَنْ ارَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا.

كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهَؤْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

خلاصه مضمون این آیات این است که: هرکس که طالب دنیا باشد و بذر دنیایی بکارد ما هم او را مدد رساننده و بذری که پاشیده است به ثمر می رسانیم ولی؛

(با دو شرط):

- آن اندازه که بخواهیم

- و برای هرکس که خود اراده کنیم؛

(پس نتیجه گرفتن از تلاشها و برنامه ریزی ها و اقدامات دنیائی، قطعی نیست؛ شرط دارد.)

علت اینکه بذر دنیاطلبی نتیجه اش صد درصد قطعی نیست این جهت است که دنیا پر از تزام و آفات و موانع است؛ نه اینکه این جهان برای پرورش این بذرها ساخته نشده است.

بعد می فرماید: ولی به طور قطعی چنین کسی که هدفش را محصور و محدود به دنیا کرده و از مسیر شایسته انسان خارج شده است، از جهنم سر درخواهد آورد.

و اما اگر کسی هدف دنیایی نداشته باشد و بذر آخرتی بکارد و در راه آن سعی و کوشش کند این عمل هیچ گاه ضایع نمی گردد و (قطعا) به نتیجه می رسد.

كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهَؤْلَاءِ

هم آن دسته را ما مدد می کنیم و هم به این دسته مدد می رسانیم. (هم دنیاطلبان را مدد می کنیم و هم آخرت جویان را)

خلاصه اینکه نظام این عالم اینگونه ساخته شده است که هرکس هر بذری بپاشد این دستگاه، مساعد برای پرورش دادن است و همان بذر را پرورش می دهد.

(با این تفاوت که بذر دنیائی با قید دو شرط است، اما بذر آخرتی قطعی و حتمی است.)

... افرادی که کارهای ناشایستی انجام می دهند و با نقشه هایی که طرح می کنند به نتیجه می رسند نمی توانند بدینگونه عمل خویش را توجیه کنند که اگر کار ما مورد اشکال بود ما به نتیجه نمی رسیدیم.

خیر، هر تئوری که در عمل به نتیجه برسد دلیل بر حقانیتش نیست؛ این نظام جهان است که «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهَؤْلَاءِ» هرکس هر بذری بپاشد رشد می یابد و احياناً به نتیجه مطلوب نائل می گردد.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قبلاً درباره این کلمه تا اندازه ای بحث کردیم و اینک اضافه می کنیم که توصیف پروردگار به این دو صفت، معرفت بسیار کامل می خواهد؛

زیرا «رحمن» یعنی آن که رحمتش فراوان است.

نه آن مقدار که تنها از کلمه «فراوان» می فهمیم؛

بلکه یعنی آنکه همه هستی از ناحیه اوست و هر چه از او برسد رحمت و نیکوست.

و «رحیم» یعنی آن که فیضش دائماً به انسانها می رسد.

این دو صفت، اولی مربوط به نظام هستی است و دومی مربوط به عالم خاص انسانهاست.

برای توصیف پروردگار به صفت اول آنقدر عرفان عمیق برای بنده لازم است که جهان را سراسر رحمت اندر رحمت ببیند و فکر ثنویت را از خود دور کند و پدیده های جهان را به خیر و شر تقسیم نکند،

بلکه سراسر هستی را به دلیل آنکه ناشی از اوست يك كاسه خیر و رحمت محض بداند؛

و در هنگام ستایش الله به این صفت، انسان باید چنان دیدی داشته باشد که نظام هستی نظام خیر است، نظام رحمت است، نظام نور است؛

شر، نعمت و ظلمت امور نسبی و غیرحقیقی می باشند.

بدیهی است که هر اندیشه خامی نمی تواند مدعی گردد که من چنین دیدی از جهان دارم.

و انسان با زور و تعبد هم نمی تواند چنان دیدی در خود ایجاد کند.

و اما صفت دوم که صفت رحیم است،

در اینجا نیز باید بگوییم که شناخت «الله» به این صفت مستلزم آن است که انسان به مقام و موقعیت خودش در میان موجودات عالم شناخت کامل داشته باشد.

امتیازی که انسان در میان موجودات دارد این است که فرزند بالغ این جهان است؛

فرزند نابالغ این خانواده که تحت قیمومت و سرپرستی اجباری پدر و مادر باشد نیست،

بلکه از نظر عقل و خرد به آن درجه از رشد رسیده که به او گفته اند باید خودت راه را انتخاب کنی.

در حالی که موجودات دیگر تحت تکفل جبری عوامل این عالم اند، این انسان است که به دلیل رشد عقلی، آزادی و اختیار دارد و می تواند از دو راه یکی را انتخاب کند:

أَنَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

راه راست و راه کج هر دو در جلو انسان قرار گرفته،

اگر انسان راه راست و صراط مستقیم حق را بپیماید آنوقت است که يك نوع رحمت و عنایت خاصی از ناحیه خدا شامل حالش می گردد...

دلش را نور بخشیده و قلبش را نیرو می دهد، اسباب و وسائل را برای راهش مهیا می سازد،

رزق «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» به او می رساند،

و بالاخره به مرحله ای می رسد که احساس می کند به مرحله داد و ستد با خدای خویش رسیده است چون می بیند هرچه که او در کردار خالصانه تر رفتار می کند عنایات الهی بیشتر شامل حالش میگردد. در این وقت است که بنده به مرحله رضا و تسلیم خواهد رسید.